

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴

صص ۳۱-۳۹

چالش ضرورت صیانت از حریم خصوصی و صیانت از هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی (با نگاهی به حقوق انگلستان)

دکتر رضا شکری^۱، دکتر مهدی شیداییان^{۲*}، دکتر شهرداد دارابی^۳

۱- دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲- استادیار دانشگاه تهران و استاد مدعو دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۳- استادیار دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

حریم خصوصی به عنوان قلمرو و محدوده‌ی اختصاصی و غیرعلنی انسانی نوعی و متعارف مصون از ورود، نگاه و نظارت و مداخله دیگران است؛ لیکن رعایت هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی نیز مبتنی بر دفاع از ارزش‌های جامعه و صیانت از برقراری نظم عمومی ضرورتی انکارناپذیر است از این رو هر چند اصل بر صیانت از حریم خصوصی می‌باشد، لیکن این اصل مجوز نقض قانون در حوزه خصوصی نیست و هرگاه آثار و تبعات نقض قانون در حوزه خصوصی جلوه بیرونی و خارجی بیابد و امنیت اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد از باب صیانت از ارزش‌های بالاتری مداخله جایز خواهد بود و در مقام رفع چالش ناگزیر باید اجرای حق مهم‌تر بر حق مهم‌تر ترجیح داد در نتیجه مداخلاتی در نوع پوشش افراد و امور جنسی و جواز امر به معروف و نهی از منکر به عنوان استثنایی غیرقابل اجتناب بر حریم خصوصی به صورت محدود، جزئی و بر مبنای قانون محسوب می‌گردند.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، هنجارهای اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر، پوشش، روابط جنسی.

* نویسنده مسئول m_sheidaian@ut.ac.ir

مقدمه

از ویژگی‌های جوامع مردم سالار شناسایی و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های بشری است و از جمله مظاهر و جلوه‌های حقوق بشر حق بر حریم خصوصی است که ضرورت صیانت و پاسداشت از آن بنا به دلایل عدیده و مستفاد از آیات و روایات ضرورتی انکارناپذیر است لیکن صیانت از حریم خصوصی تنها مطلوب یک اجتماع انسانی نیست و همواره در هر اجتماعی حقوق و آزادی‌های دیگری نیز وجود دارد که صیانت از این حقوق را نیز جامعه وظیفه و تکلیف خود می‌داند. از جمله ضرورت رعایت نظم و امنیت عمومی و ضرورت رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی. از این رو در مقام صیانت از دو مطلوب گاه در مقام اجرای این دو مطلوب تضاد و تلاقی در اجرای هر دو مطلوب به طور همزمان پیش می‌آید؛ از این رو سؤال اساسی پیش رو آن است که در مقام تلاقی و تضاد ناشی از اجرای همزمان دو مطلوب ضرورت صیانت از حریم خصوصی و صیانت از هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی تکلیف چیست و اولویت با کدام حق است و آیا اساساً بین این دو مطلوب تضادی وجود دارد و صیانت از حریم خصوصی مجوز زیر پا نهادن اخلاق و هنجارها و انگاره‌های شرعی در حوزه خصوصی می‌گردد؟ از این رو برای پاسخ به پرسش در این مقال ضرورت دارد نخست به دو مفهوم حریم خصوصی و ارزش‌های اخلاقی اشاره‌ای مختصر نماییم.

۱- ضرورت حفظ پوشش

از آنجایی که اندام انسان برخلاف سایر موجودات، عاری از پوششی طبیعی بوده که او را از سرما و گرما حفظ کند و انسان به طور فطری از برهنگی رنج می‌برد و به زیبایی اهمیت می‌دهد به نحوی که اولین دغدغه آدم و همسرش حوا پس از خوردن میوه ممنوعه، پوشیدن بدن بود (نک سوره‌ی اعراف آیه ۷ و ۲۲ سوره‌ی طه آیه ۲۰ و ۲۱) از جمله موارد حریم خصوصی برای انسان بیان اصل وجوب پوشش و ذکر جزئیات آن برای مردان و زنان می‌باشد. بنابراین پوشش پاسخی مناسب به نیاز فطری و اجتماعی انسان است و در حقیقت پوشش انسان وسیله‌ای برای حفظ حریم خصوصی وی و مانع افشاء خصوصیات شخصی در جامعه است. نوع پوشش مردم نیز در هر جامعه‌ای برخاسته از هنجارهای حاکم در آن جامعه و متأثر از عقاید برگرفته از آداب و رسوم و دین حاکم بر آن اجتماع است. از این رو به واسطه تکثر فرهنگی در جوامع انسانی نوع پوشش نیز متفاوت و متکثر خواهد بود و از آنجایی که عرف در هر اجتماعی ریشه در عقاید مذهبی نیز دارد هیچگاه پوشش عرفی جامعه عدم رعایت انگاره‌های شرعی و اخلاقی را بر نمی‌تابد؛ چنان که در عمل نیز این چنین شده و جامعه ایرانی عدم رعایت حجاب را در زمان کشف حجاب رضاخان برنتابید.

اما طرح اشکال شده که، نوع پوشش انسان و داشتن یا نداشتن پوشش از جمله امور خصوصی است که انسانی نوعی و متعارف مداخله در آن را بر نمی‌تابد در نتیجه مداخله مقنن در نوع پوشش اشخاص به منظور صیانت از انگاره‌های اخلاقی و شرعی و الزام به حجاب بانوان نقض حریم خصوصی است.

در مقام رفع چالش می‌توان گفت اساساً طرح این اشکال ناشی از عدم تمیز بین مرز عمومی بودن و خصوصی محسوب شدن است و نظر به اصل لزوم احترام به ارزش‌های عمومی حاکم بر اجتماع، گرچه صیانت از حریم خصوصی دلالت بر عدم جواز مداخله در نوع پوشش دارد، لیکن این عدم مداخله محدود است به نداشتن جلوه بیرونی است و آنگاه که اشخاص از محیط خصوصی خارج شده و قصد حضور در عرصه عمومی را دارند با محدودیت جدی رعایت ارزش‌ها مواجه خواهند بود و وارد ساختن محدودیت بر حقوق به نحو متعارف نیز بدیهی است.

در نتیجه نظر به حاکمیت اصل آزادی و اختیار برای انسان نوع، کیفیت و طرز پوشش اشخاص امری کاملاً خصوصی است و انسان‌ها با توجه به علایق، سلیق، گرایش‌ها و طرز تفکر خود، نوع پوشش خویش را انتخاب می‌کنند و پوشش، در درجه اول تابع فرهنگ هر جامعه است و علاوه بر فرهنگ در جوامع مذهبی، عرف مذهبی و نظام ارزش‌های جامعه را هم باید در نظر گرفت. بنابراین آنگاه که شخص در یک مکان خصوصی حاضر می‌گردد، صرفنظر از ملاحظات شرعی به هر نحو که بخواهد می‌تواند حاضر شده و هر نوع پوششی که بخواهد را اختیار نماید و هیچ شخصی حق مداخله در این زمینه را ندارد. حتی اشخاص حاضر

در چنین محلی این حق را ندارند که بعدها فیلم و یا عکس وی را منتشر سازند، زیرا انتشار اینگونه مستندات بدون تردید نمونه بارز اشاعه فحشا و از مصادیق ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای خواهد بود.

فقطها نیز به همین دلیل حکم به عدم جواز «تبرج» و حرمت خودنمایی و خودآرایی زنان در عرصه عمومی داده‌اند. (نک زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۲؛ سلمی، ۱۴۰۷، ص ۲۳-۳۰)

در نتیجه می‌توان گفت؛ به‌منظور احترام به مقررات و ارزش‌های حاکم بر اجتماع و بازدارندگی از ارتکاب گناه و منافع عمومی مقنن در نوع پوشش زنان که در عرصه اجتماع حاضر می‌گردند دخالت نموده و با تدوین قانون، ورود زنان بدون حجاب شرعی را برابر تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. جرم تلقی نموده و مقرر داشته؛ «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به.. محکوم خواهند شد.»

بنابراین چنین مداخله‌ای گرچه به نحوی دخالت در حریم جسمانی یا حریم عقیدتی و فکری اشخاص است لیکن به واسطه حفظ ارزش‌های بالاتری استثنای بر حریم خصوصی محسوب می‌گردد.

از سویی قطع نظر از بازدارنده بودن قوانینی این چنین، اساساً مقنن براساس آموزه‌های دینی و با الزام قانونی پوشش برای زنان به نحوی در مقام حمایت کیفی از ایجاد حریم خصوصی جنسی برای فرد و پیشگیری از هتک حرمت اشخاص و حریم خصوصی بوده است. زیرا در اندیشه اسلامی حتی شخص حق ندارد با نقض حریم خصوصی خود، خود و یا دیگران را در معرض گناه و جرم قرار دهد. بنا به مراتب فوق بدحجابی یا بی‌حجابی افراد، به نوعی، تجاوز به حقوق دیگران محسوب شده و از باب حق الناس است. دفاع از حق الناس نیز مداخله در حریم خصوصی پوشش را تجویز می‌نماید زیرا هرگونه رفتاری که حجاب و حیا و عفاف جامعه را خدشه‌دار نماید، ضربه‌ای است که به آرامش، سلامت و امنیت اجتماعی و موجب می‌شود بسیاری از اشخاص به دام فساد و فحشا افتند و اینگونه زنان نیز ممکن است به دام مردانی بیفتند که به تعبیر قرآن از مصادیق الذی فی قلبه مرض هستند. (احزاب/۳۲)

البته قانون فوق را که مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر اجتماع است نمی‌توان با دو قانون مصوب پیش از انقلاب در حوزه پوشش مقایسه نمود. زیرا هر دو قانون فوق به پیروی از کشورهای غربی و بدون در نظر گرفتن انگاره‌های لازم و بدون توجه به نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه تدوین شده بودند و به همین دلیل نیز با مقاومت مردم و عدم تمکین به قانون مواجه گردیدند.

۲- ضرورت رعایت هنجارهای شرعی در روابط جنسی

بر مبنای اصل کلی احترام به حریم خصوصی کلیه امور مربوط به روابط جنسی اشخاص مصون از مداخله است؛ زیرا فعالیت‌های جنسی انسان که ناشی از غرایض ذاتی و فطری بشر است قلمرو و محدوده‌ای از اعمال و رفتار شخص است که برای عموم آشکار نبوده و مختص به آن فرد می‌باشد و در این محدوده از آزادی معقولانه‌ای برخوردار بوده و مصون از هرگونه تعرض است. در این رابطه حق حریم خصوصی فضایی را برای شخص تضمین می‌کند که در چهارچوب آن بتواند روابط مختلفی را با دیگران برقرار سازد. لیکن در این رابطه بر مبنای اصل آزادی این ایده مطرح شده که حریم خصوصی اشخاص ایجاب می‌نماید که انسان‌ها در برقراری این ارتباط از حیث اینکه مبنای برقراری رابطه قرارداد (عقد نکاح) یا تراضی و توافق ضمنی طرفین بدون التزام قراردادی و قانونی لیکن مبتنی بر قصد تزویج (ازدواج سفید یا هم‌باشی یا هم‌خانگی) و یا بدون قصد تزویج (رابطه نامشروع زنا) باشد و یا آن‌که طرفین رابطه هم‌جنس یا غیر هم‌جنس باشد محدودیتی وجود نخواهد داشت و این موضوع امری خصوصی است که قانون به توجیه حمایت از اخلاق حق مداخله در آن را ندارد. در نتیجه، اصل بر آزادی روابط جنسی و عدم مداخله در امور جنسی مبتنی بر رضایت اشخاص، مادام که منتهی به ضرر به غیر نگردیده می‌باشد. به نحوی که فعالیت جنسی افراد مبتنی بر رضایت دو طرف مباح بوده و خارج از محدوده مداخله دولت قرارداد. به همین دلیل مقنن انگلستان برابر ماده ۳ و ۵ قانون جرائم جنسی ۱۹۵۶ (اصلاحی ۲۰۰۰) تنها انجام عمل خلاف عفت با کودکان و حمله خلاف عفت و زنا با محارم و تجاوز به عنف را به‌عنوان جرم جنسی تلقی نموده و هر نوع

رابطه مبتنی بر رضایت، خواه طرف رابطه هم‌جنس باشد خواه غیر هم‌جنس، جرم ندانسته است. به‌نحوی که نظارت بر فعالیت جنسی که در خلوت صورت می‌گیرد به معنای مداخله در حریم خصوصی است و دولت تنها حق مداخله در فعالیت‌های جنسی موجب ضرر برای غیر و در مکان‌های عمومی را دارد تا جایی که کمیته حقوق بشر، صرف وجود قوانینی که فعالیت هم‌جنس‌بازان را جرم‌انگاری نموده، ناقض حریم خصوصی می‌داند.

(Sarah Webb, Russell Jones p ۴۹۵) در نتیجه این دیدگاه با دیدگاه حقوق کشور ایران مبنی بر لحاظ نمودن انگاره‌های اخلاقی و شرعی و عدم جواز برقراری چنین روابطی ولو در حریم خصوصی در تضاد قرار دارد.

در مقام پاسخ و متأثر از اندیشه دین‌محور، باید بین دو گزاره تفاوت قائل شد؛ نخست جواز و عدم جواز روابط آزاد ولو در خلوت و دوم مداخله و تجسس در خلوت و میزان و نحوه مداخله دیگران در روابط جنسی اشخاص. در بعد نخست احترام به حریم خصوصی اشخاص لزوماً به معنای صدور جواز نقض قانون در خلوت نمی‌باشد و نمی‌توان پذیرفت که، هر فعالیت جنسی که در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد لزوماً داخل در حیطه حمایتی حریم خصوصی قرار دارد و افراد آزادانه در حیطه امور خصوصی هر رفتاری را مجاز و مختار به ارتکاب باشد. زیرا جواز و عدم جواز چنین رفتارهایی تابعی از نظام ارزش‌هاست. در نتیجه سیاست اتخاذی در قبال روابط جنسی سیاستی ترکیبی و در دو جهت ایجابی و سلبی می‌باشد. یعنی ضمن تشریح روش‌های مشروع ارضای گزینه جنسی راه انحراف از آن در راستای صیانت از حریم خصوصی و حقوق عمومی با اتخاذ تدابیری سد نموده و برقراری هرگونه رابطه جنسی خارج از عقد نکاح را ممنوع و به لحاظ جنسیت طرف عقد صرفاً ازدواج دو جنس مخالف به رسمیت شناخته. اما در بعد دوم به رغم آن که اجازه روابط آزاد در حریم خصوصی داده نمی‌شود اجازه تجسس و مداخله در حریم خصوصی به منظور کشف روابط آزاد نیز داده نمی‌شود. در نتیجه از باب پاسداری آبرو و حیثیت افراد و بقای جامعه و حفظ اخلاق ضمن آنکه هر نوع رابطه آزاد فارغ از چهارچوب‌های قانونی جایز نمی‌باشد، هرگونه تعرضی به حریم خصوصی افراد نیز جایز نیست و در حقیقت روابط جنسی خارج از چهارچوب عقد نکاح شرعی غیرقانونی است نه به این توجیه که اینگونه امور در زمره مسائل خصوصی نمی‌باشد، بلکه به رغم آن که ماهیت خصوصی دارند به جهت آن که غیرقانونی بوده و برخلاف قانون است ممنوع می‌باشد. از این رو هر چند نوع رابطه افراد «حرام» و «خلاف شرع» باشد اجازه هرگونه تحقیق در این زمینه ممنوع و هرگونه پی‌جویی و یا افشاگری روابط حرام جنسی اشخاص، نیز جرم و موجب کیفر است. بر مبنای چنین رویکردی مقنن در مرحله تقنین و تعیین کیفر شدت عمل را مینا قرار داده؛ لیکن در مرحله دادرسی و اجرا به واسطه پیش‌بینی جواز سقوط کیفر در اثر شبهه و قاعده درء و توبه و اختیار عفو و عدم اجرای کیفر از ناحیه امام و ادله اثباتی سخت بر سیاست بزه پوشی، کیفر زدایی و اصلاح مرتکب تأکید نموده است و به عبارتی استانداردهای ادله اثباتی در جرائم جنسی را بالا می‌برد به نحوی که در ماده‌ی ۱۹۹ ق.م.ا. نصاب شهود را برخلاف سایر جرائم چهار شاهد قرار داده است. به عبارتی این که ادله اثباتی جرم شهادت چهار نفر است، تأیید و تأکید بر حمایت از حریم خصوصی است، زیرا چنین شرطی، افراد کنجکاو را از نقض حریم مکانی کسانی که ممکن است در حریم خصوصی خود مرتکب چنین رفتارهای غیرقانونی شوند، باز می‌دارد. زیرا مقنن عدم حصول این نصاب و ادا شهادت را نه تنها اثبات‌کننده جرمی ندانسته بلکه مستوجب کیفر دانسته است. (نک؛ ماده ۲۰۰ ق.م.ا.) در حقیقت وقتی مقنن موازین اثباتی سختی را پیش‌بینی نموده، محدودیت‌هایی را برای محاکمه و بازخواست کسانی که متهم به جرائم مرتبط با حریم خصوصی و نقض قانون در خلوت و مبتنی بر رضایت طرفین واقع، قرار می‌دهد، به صورت غیرمستقیم، از حریم خصوصی حمایت نموده است. علی‌هذا برخلاف کشورهای غربی؛ در حقوق ایران عنصر رضایت در تحقق جرم بلااثر است لیکن اصراری بر اثبات جرم وجود ندارد و بزهدکار به توبه و اظهار ندامت تشویق می‌نماید و به منظور نهی افراد از تجسس و مداخله و سرک کشیدن در حریم خصوصی دیگران، ضمن پیش‌بینی ادله اثباتی سخت شهادت چهار شاهد؛ اشخاص را از ادای شهادت بر وقوع جرم با پیش‌بینی کیفر حد قذف منع می‌نماید و به نحو کلی انجام هرگونه تعقیب و تحقیقی ممنوع خواهد

بود. (نک؛ ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک.) در نتیجه مقنن به منظور حفظ حریم خصوصی اشخاص اصل را ممنوعیت تعقیب قرار داده و تحقیقات مقدماتی را توسط مرجعی بالاتر جایز دانسته و سیاست بزه‌پوشی را مبتنی بر تأکید شارع مبنی بر منع اشاعه فحشاء در پیش گرفته و به واسطه غلبه جنبه حق الهی این جرائم برجانبه خصوصی آن سیاست پیشگیری از اثبات جرم و اعطای فرصت اصلاح و توبه را منظور نموده است. در حقیقت روح حاکم بر سختگیری در ادله‌ی اثباتی جرائم و گذاردن ضمانت اجرای قوی برای هرگونه اتهام زنی بی‌مورد، بیانگر این است که هیچکس حق ندارد تحت هیچ عنوانی، وارد حریم خصوصی جنسی افراد گردد. لیکن به رسمیت شناختن حریم خصوصی برای اشخاص به معنای نادیده گرفتن حرمت‌ها و قانون در حوزه خصوصی نمی‌باشد و هرگاه گناه پنهان اشخاص به رغم سفارش بر بزه‌پوشی و عدم اقرار و سختگیری ادله اثباتی جرم و منع تجسس در امور خصوصی آشکار شد به این توجیه که چنین رابطه‌ی مبتنی بر رضایت و در حوزه خصوصی اشخاص بوده نمی‌توان آن را نادیده گرفت (برخلاف دیدگاه غربی). در نتیجه از جمله محدودیت‌های وارد بر حریم خصوصی اجرای قانون و هنجارهای مسلم عمومی و از جمله شرعی است و اصل لزوم صیانت از حریم خصوصی نمی‌تواند به عنوان مجوزی جهت نقض قانون محسوب گردد و ضرورت دارد بین دو مطلوب یعنی احترام به قانون و هنجارهای مسلم عمومی و احترام به حریم خصوصی تعادل و توازن برقرار نمود. بر این معنا امام خمینی در بند ششم فرمان هشت ماده‌ای تأکید داشته‌اند و تصریح نموده‌اند: «هیچ‌کس حق ندارد ... به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا ... تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم [و] گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.»

۳- سیاست کنترل و نظارت اجتماعی غیررسمی و مشهود (امر به معروف و نهی از منکر)

از جمله سیاست‌های کنترل و نظارت اجتماعی غیررسمی و مشهود سیاست دیگر کنترلی امر به معروف و نهی از منکر؛ از اختصاصات اسلام؛ می‌باشد. در خصوص این سیاست نیز اشکال تعارض با حریم خصوصی مطرح گردیده زیرا بر مبنای آموزه‌های غربی دخالت در راستای چنین تکلیفی خواه از ناحیه شهروندان خواه حکومت و به‌منظور حفظ ارزش‌های اخلاقی دخالت در حریم خصوصی است. در واقع از یک سو اصل بر احترام به حریم خصوصی است و از سوی دیگر شخص با فریضه‌ای از فرایض دینی مواجه است که احساس مسئولیت در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی که در مقابل دیدگان وی رخ می‌دهد را واجب می‌داند. در حقیقت چالش از آنجا ناشی می‌گردد که حریم خصوصی قلمرویی است که فرد انتظار دارد دیگران آن را احترام نهاده و در آن حوزه رفتارهای وی مورد نظارت و کنترل قرار نگیرد؛ در مقابل بر مبنای فریضه امر به معروف و نهی از منکر عموم افراد جامعه مکلف‌اند که نسبت به ارتکاب جرائم در همه حال و همه‌جا سکوت ننموده و مرتکب را از انجام آن رفتار یا ترک آن بر حذر دارند.

در مقام رفع چالش ناگزیر می‌بایست مفهوم امر به معروف و نهی از منکر و حدود و ثغور آن تبیین گردد. امر به معنای طلب و خواستن همراه با استعلا و برتری و نهی به معنای دستور به خودداری و عدم اقدام به امری است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۹۷) معروف در لغت به معنای مشهور و شناخته‌شده و منکر قول یا فعلی نارواست که رضایت الهی بدان تعلق نمی‌گیرد. (معلوف، لوییس، ۱۴۲۲، ص ۵۰۰ و ۸۳۶) در اصطلاح؛ هر کار پسندیده‌ای است که فاعل آن به نیکی و قباحیت آن عمل آگاه باشد یا بدان راهنمایی شده باشد. (نجفی، ج ۲۱، ۱۹۸۱، ص ۲۵۶) در تعریفی دیگر، امر به معروف راهنمایی و ارشاد مردم به راه‌های درست و رستگار کننده و نهی از منکر، بازداشت از کارهایی است که سازگار با شریعت اسلام نباشد (جرجانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶) آمده است. بنابراین «معروف به افعال و صفاتی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را شناخته و مورد تأیید قرار داده است به‌گونه‌ای که هر وجدان پاکي طالب آن است. پس امر به معروف عبارت از تشویق دیگران به انجام افعال و صفاتی که به حکم عقل و از طرف شارع به نیکی وصف شده باشند. منکر به معنای ناشناخته به همه اعمال و صفاتی اطلاق می‌شود که شرع و عقل آن را به

رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین نهی از منکر بر حذر داشتن دیگران از انجام افعالی است که از طرف شارع و به حکم عقل به زشتی یاد شده است.» (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۳۶)

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم نیز صریحاً مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال پس از آنکه خود را به عنوان امر کننده به خوبی‌ها و نهی کننده از ناشایستی‌ها معرفی می‌کند (نحل/۹۰) تصریح می‌نماید که انسان‌ها از طریق نظارت بر هم دیگر مانع فساد شدن جامعه می‌گردند. (بقره/۲۵۱)^۱ و از وجوه دفع انسان‌ها توسط یکدیگر این است که، «بعضی از مردم جلو فساد بعض دیگر را می‌گیرند» (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۶۲۱). و منظور از فساد زمین، فساد جامعه انسانی است. (طباطبائی، ۱۹۷۳، ج ۲، ص ۲۹۳) بنابراین انسان‌ها با امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند جلو فساد در جامعه را گرفته و از این طریق هنجارشکنی‌های اجتماعی را کنترل نمایند.

برابر ماده یک قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ۱۳۹۳ مقرر در مقام تعریف اشعار داشته:

«در این قانون، معروف و منکر عبارت‌اند از؛ هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.»

در مجموع در مقام ارائه تعریف با در نظر گرفتن مباحث و مواد ۲ الی ۶ قانون فوق می‌توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر؛ دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر بدون تجسس است در صورتی که علناً اشخاص مرتکب رفتاری گردند که در شرع یا قانون ارتکاب آن رفتار مورد امر یا نهی قرار گرفته باشد. لیکن مراتب زبانی و نوشتاری آن توسط آحاد مردم و دولت صورت گرفته و مرتبه عملی صرفاً وظیفه دولت است و در این مقام نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز نموده باشد و هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه مبادرت نماید.

خداوند متعال در آیه ۱۰۴ سوره آل‌عمران سرافرازی و سعادت‌مندی را منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند.

علامه طباطبایی با استناد به این آیه امر به معروف و نهی از منکر را از لوازم و واجبات اجتماع معتمد به حب‌الله می‌داند و معتقد است بازخواست و عقاب در تخلف این واجب کفایی متوجه تک‌تک افراد است ولی پاداش و اجر از آن کسی است که بدان پرداخته باشد. (همان، ج ۳، ص ۳۷۳)

بنابراین از ویژگی‌های امر به معروف و نهی از منکر عمومیت داشتن و تکلیفی همگانی بودن، انعطاف در نمود رفتاری و عملی و حاکمیت بر همه‌ی روابط اجتماعی، کارکرد پیشگیرانه و اصلاح‌گرایانه است و مسلماً اجرای آن منوط به تحقق ضوابطی از جمله؛ اطلاع کافی و صحیح در امور دینی و تشخیص حلال از حرام و واجب از غیر واجب، احتمال اثر و عدم ترتب مفسده و رعایت مراحل قلبی، زبانی و عملی، صیانت از جان و مال و آبروی افراد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۲۱) و عدم جواز اجرای حدود و تعزیرات توسط افرادی جز نهادهای قضایی (حلی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۱۳) و منع تجسس در امور کتمان و پنهان اشخاص می‌باشد.

بنابراین نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر منوط به حصول شرایط و مراتبی است می‌توان گفت در صورت رعایت مراتب و شرایط لازم اجرای این فریضه با اصل احترام به حریم خصوصی تضادی حاصل نخواهد شد. زیرا امر به معروف و نهی از منکر دعوت به رعایت ارزش‌های مسلم و قطعی جامعه و حفظ مسلم مصلحت‌های انکارناپذیر در نظام انسانی مبتنی بر عدم تجسس در امور دیگران و احتراز از ایراد ضرر است و

۱. «لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» یعنی و اگر نبود بازداشتن خداوند برخی مردم را به وسیله برخی دیگر حتماً فساد زمین را فرامی‌گرفت و لکن خداوند دارای فضل بر همه جهانیان است.

هرگاه اعمال و اجرای آن مستلزم ورود ضرر به دیگران باشد جایز نخواهد بود. این اصلی است که به دلالت قاعده لا ضرر مکرر در حقوق اسلامی به آن استناد شده است.

از سوی دیگر نظر به اینکه صیانت از حریم خصوصی به منظور پاسداشت و احترام به کرامت انسانی به‌تنهایی هدف نیست و از آنجاکه بارزترین و مهم‌ترین خصیصه انسانی آزادی اراده و اختیار و حق انتخاب است و مسلماً این مهم را نیز می‌بایست پاسداشت در نتیجه نباید حق بر حریم خصوصی را به‌گونه‌ای تفسیر نمود که خود را نفی کند. حیطة حریم خصوصی نباید آنچنان موسع فرض شود که حیات اجتماعی انسان را از تفسیر و توجیه منطقی ساقط نماید و منجر به سقوط یا بی‌اعتباری مسئولیت همگانی افراد در قبال یکدیگر شود. در کنار امتیازاتی که حریم خصوصی داراست، این کاستی را دارد که ممکن است کسانی از آن سو استفاده کنند و آن را مستمسکی برای رواج بی‌بندوباری قرار دهند. لذا باید به شناخت چنین آفت‌هایی پرداخت و از بروز آن پیشگیری کرد. زیرا در هر حال از جمله علل و عوامل خدشه‌دار شدن و تعرض به حریم خصوصی ترویج بی‌بندوباری، فساد و فحشاء و به نحو کلی ارتکاب جرم است و از سوی دیگر پیشگیری از وقوع جرم در مقام حفظ اجتماع و تأمین منافع عمومی ضرورتی انکارناپذیر است. از این‌رو؛ اولاً- آموزه امر به معروف و نهی از منکر به منظور جلب مشارکت عمومی در جهت پیشگیری از وقوع جرم و سالم‌سازی جامعه و احترام به ارزش‌های انسانی است. در نتیجه سازوکاری است که نه تنها موجب تعدی به حقوق دیگران نمی‌باشد بلکه در جهت پیشگیری از وقوع جرم و احتراز از تعدی به حقوق دیگران است که خود غیرمستقیم به صیانت از حریم خصوصی اشخاص می‌انجامد.

ثانیاً- اعمال این فریضه محدود و منصرف به جرائم ارتكابی در علن و آشکار است و نه جرائمی که در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد.

ثالثاً- از جمله محدودیت‌های اعمال و اجرای این فریضه عدم تجسس و خودداری از تجسس و واکاوی در امور پنهان است. زیرا در اندیشه اسلامی همواره بر بزه‌پوشی و خودداری از تجسس در امور پنهان اشخاص و عدم افشای امور پنهان و جرائم و معاصی ارتكابی خواه از ناحیه مرتکب و خواه از ناحیه دیگران سفارش شده است و خصیصه بارز امر به معروف و نهی از منکر آن است که نسبت به امور آشکار و مشخص صورت گیرد و در مقام این فریضه نمی‌توان در امور خصوصی پنهان و ارتكابی و دور از انتظار وارد شد. به همین دلیل ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تصریح داشته؛ «امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.»

از سوی دیگر اعمال و اجرای این فریضه از ناحیه عموم مردم با رعایت شرایط فوق محدود به دخالت، حداکثر در حد تذکر زبانی است و در سایر موارد وظیفه دولت است که به این مهم بپردازد. بر این معنا مقنن در ماده ۴ قانون فوق نیز تأکید نموده است.

بنابراین می‌توان گفت هرگاه اعمال و اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر فارغ از هرگونه افراط‌گرایی و مشروط به رعایت شرایط آن صورت گیرد، بین این دو مهم رفع چالش صورت می‌گیرد و در هر حال در مقام رفع چالش حق بر حریم خصوصی با ضرورت‌های اجتماعی تا حدودی می‌توان کفه ترازو را به سمت مصالح عمومی سنگین‌تر نمود. در نتیجه اگر بنا باشد که حریم خصوصی افراد دستاویزی برای هتک محرمات الهی شود و دسترسی به گناهان را آسان نماید در حقیقت کرامت انسانی بی‌ارزش شده است و این خود زمینه‌ساز تعرض به حریم خصوصی از ناحیه اغیار می‌گردد. در نتیجه نمی‌توان به بهای اضمحلال حیات معنوی افراد مورد و ترویج بی‌بندوباری و رواج فساد اخلاقی و وقوع جرم خصوصی را حفظ نمود و آنجا که ضرورت دارد از اصل اولیه عدول نمود و در حقیقت ترویج و گسترش فساد و جرم از اموری نیستند که جامعه دینی به بهانه حفظ حریم شخصی اجازه تجویز آن را صادر نماید. لذا حریم شخصی در صورتی که امنیت اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد با فریضه امر به معروف و نهی از منکر کنترل می‌شود.

نتیجه‌گیری

رعایت هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی مبتنی بر دفاع از ارزش‌های جامعه و صیانت از برقراری نظم عمومی است و چنین الزامی در راستای حصول منافع عالی‌ه نوع بشر در آن اجتماع انسانی است از این رو هر چند اصل بر صیانت از حریم خصوصی و ممنوعیت هرگونه مداخله‌ای در آن می‌باشد لیکن این اصل مجوز نقض قانون در حوزه خصوصی نیست و هرگاه آثار و تبعات نقض قانون در حوزه خصوصی نمود و جلوه‌ی بیرونی و خارجی بیابد از باب صیانت از ارزش‌های بالاتری مداخله جایز خواهد بود. به عبارتی گرچه حکومت به قلمرو اعتقادات درونی اشخاص مستقیماً وارد نمی‌شود و برای حریم شخصی او احترام قائل است ولی چنانچه وی از حریم شخصی خود به ساحت جامعه تجاوز نماید حکومت حق که نه تکلیف دارد احکامی را مدنظر قرار دهد. در حقیقت حق بر حریم خصوصی ناظر است به خلوت انسان، که نباید در میان دیگران افشاء، آشکار و علنی شود. از این رو اگر کسی هر رفتاری را در حوزه حریم خصوصی خود بدون عوارض بیرونی انجام دهد، هیچ‌کسی حتی مأموران دولتی حق ندارند تجسس کرده و آن را افشا و بعداً مجازات کنند؛ اما هرگاه رفتار وی دارای آثار خارجی گردد، دیگر از حمایت حریم خصوصی بهره‌مند نمی‌شود یعنی اگر خود فرد اقدام به افشای اطلاعات خود کند، مانند آن‌که تصاویر و فیلم خود که جنبه مغایر با اخلاق دارد، یا آشکارا در خودروی شخصی خود بدون پوشش متعارف حاضر شود یا مبادرت به خوردن و آشامیدن گردد در حالی که ماه رمضان است و رفتار وی از خارج خودرو قابل‌رؤیت است دیگر از حمایت حریم خصوصی بهره‌مند نمی‌شود چون خود موضوع را تغییر داده و حریم را به حریم عمومی و قواعد آن تغییر داده است. در نتیجه؛ حریم شخصی در صورتی که امنیت اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد با محدودیت مواجه خواهد بود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۴، حقوق فناوری اطلاعات، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، تهران، چاپ اول، نشر میزان
۲. انصاری، باقر، ۱۳۸۶، حقوق حریم خصوصی، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت
۳. استفانی، لواسور، ژرژ، بولوک، برنار، ۱۳۷۷، آئین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. جرجانی، میرسید شریف، ۱۳۷۰، تعریفات؛ تهران، رناصرخسرو، ج ۱
۵. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن محقق، ۱۴۲۸، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، چاپ دوم مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱
۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۹۷۳، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، الطبعه الثالثه، الجزالاول والثانی مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۷. طبرسی، فضل ابن حسن، ۱۴۲۷، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، چاپ اول، دارالمرتضی، ج ۲
۸. عبیدین عبدالعزیز سلمی، ۱۴۰۷، التبرج والاحتساب علیه، [بی‌جا]
۹. فراهیدی خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، قم، موسسه دارالحجره، ج ۸
۱۰. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، فلسفه حقوق تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم
۱۱. محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، دوره حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ج ۱
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، فلسفه اخلاق، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، چاپ اول، صدرا
۱۴. معلوف، لوییس، ۱۴۲۲، المنجد فی اللغه و الاعلام، قم، ذوی القربی.
۱۵. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (س) تهران، موسسه تنظیم، نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ پنجم

۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۸، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، موسسه تنظیم، نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول
۱۷. النجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، چاپ محمود قوچانی
۱۸. وهبه مصطفی زحیلی، ۱۴۱۸، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، ج ۲
۱۹. هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۴، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
۲۰. Andrew Ashworth, Principles of Criminal Law, (eds) Tony Honore & Joseph Raz, Clarendon Press Oxford, ۱۹۹۲.
۲۱. Sarah Webb, Russell Jones & Walker, A new right of privacy following the House of Lords decision in Naomi Campbell –v- MGN Limited?, Hertfordshire law Journal ۲(۲), ۳۰-۴۰.